

روابط ایران و مصر؛ عوامل واگرایی و زمینه‌های همگرایی

دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۳۳۸۶
آذرماه ۱۳۹۲

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	مروری اجمالی بر تحولات اخیر مصر
۷.....	پیشینه روابط ایران و مصر تا سال ۲۰۱۱
۱۲.....	مناسبات ایران و مصر از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳
۱۸.....	عوامل مؤثر در واگرایی ایران و مصر
۲۳.....	زمینه‌های همگرایی ایران و مصر
۲۶.....	جمع‌بندی
۲۸.....	منابع و مآخذ



روابط ایران و مصر؛ عوامل واگرایی و زمینه‌های همگرایی

چکیده

ایران و مصر دو کشور مهم و تأثیرگذار در خاورمیانه و جهان اسلام به‌شمار می‌روند. برخورداری از تاریخ و فرهنگ کهن، واقع شدن در منطقه‌ای ژئوپلیتیک، قرار گرفتن در تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، داشتن جمعیت بالنده و فراوان، توان و قدرت نظامی قابل توجه و تأثیرگذاری تحولات فکری و سیاسی این دو کشور بر جریان‌های مذهبی و سیاسی جهان اسلام و عرب ویژگی‌هایی هستند که نقش و اهمیت آنها را در خاورمیانه آشکار می‌سازند. اهمیت دو کشور باعث شده است که آنها منافع مشترکی در خاورمیانه، خلیج فارس و شمال آفریقا داشته باشند. با این وصف و به‌رغم وجود منافع مشترک، دو کشور در برخی از زمینه‌ها با هم رقابت و تقابل دارند؛ تاریخ مناسبات طرفین نیز چالش‌هایی را در خود به ثبت رسانده است. بر همین اساس، مناسبات تهران و قاهره قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران فرازونشیب‌های مختلفی را به خود دیده است. سقوط حکومت حُسنی مبارک و به قدرت رسیدن حزب آزادی و عدالت به‌عنوان شاخه‌ای از جماعت اخوان‌المسلمین به‌دنبال وقوع بیداری اسلامی در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ و ریاست‌جمهوری محمد مُرسی در مصر شرایط جدیدی را در روابط دو کشور پدید آورد. اما کودتای نظامیان و دستگیری و برکناری مُرسی مجدداً صحنه سیاسی مصر را متحول

ساخت. در حال حاضر به دنبال برکناری مرسى از قدرت در مصر عرصه سياسى اين کشور مجدداً پر التهاب شده است. اين گزارش مى‌کوشد منافع ايران در مصر پس از برکنارى مرسى را بررسى کند.

مقدمه

ايران و مصر از ديرباز داراى مناسبات پرفرازونشيبى بوده‌اند و تحولات مهم داخلى، منطقه‌اى و بين‌المللى نيز بر مناسبات طرفين تأثيرگذار بوده است. دو کشور داراى منافع و علائق مشترک بوده و در عين حال نقاط اختلاف و افتراق نيز دارند و حوزه‌هاى خاص چالش‌زا در مناسبات طرفين نيز وجود داشته است. ايران تحولات سه سال گذشته در مصر را به دقت رصد مى‌کند، چراکه اين تحولات بر مناسبات طرفين به شدت تأثيرگذار بوده‌اند.

در حال حاضر، برکنارى محمد مرسى و روى کار آمدن ميانه‌روها و سکولارها در مصر با حمايت و همراهى ارتش شرايط جديدى را در روابط طرفين به وجود آورده است. در اين گزارش تلاش مى‌شود تا منافع ايران در مصر پس از برکنارى مرسى تحليل شود. در اين راستا پس از مرورى اجمالى بر تحولات اخير مصر، ابتدا پيشينه روابط تهران و قاهره تا سال ۲۰۱۱ مورد بررسى قرار مى‌گيرد. پس از آن مناسبات دو طرف از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ بررسى مى‌شود. سپس منافع ايران در مصر پس از برکنارى مرسى شناسايى و ارزيابى مى‌شوند و در نهايت در بخش نتيجه‌گيرى توصيه‌هاى سياستگذارى ارائه خواهند شد.



مروری اجمالی بر تحولات اخیر مصر

مصر به دلیل برخورداری از موقعیت جغرافیایی بی‌نظیر و پیشینه تاریخی، از دیرباز جایگاه مهمی در خاورمیانه داشته است. مصر نخستین کشور عربی بود که از امپراتوری عثمانی جدا و به‌عنوان یک کشور مستقل شناخته شد. با پایان جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، مصر تحت قیمومیت انگلیس قرار گرفت. در دوره حکمرانی نظام سلطنتی بر مصر، وابستگی به قدرتهای استعماری موجب شد تا این کشور نقش مؤثری در خاورمیانه نداشته باشد، اما با سقوط نظام سلطنتی و کودتای افسران آزاد در سال ۱۹۵۲ قاهره به کانون مهم تحولات سیاسی در دنیای عرب تبدیل شد. با روی کار آمدن جمال عبدالناصر، موج ملی‌گرایی دنیای عرب را فرا گرفت. نقطه اوج این ملی‌گرایی وحدت مصر و سوریه بود، ولی این وحدت دوام زیادی نداشت. با شکست ناصر در جنگ ۱۹۶۷ ملی‌گرایی عربی به شدت آسیب دید و تحقیر شد. امضای پیمان کمپ‌دیوید از سوی انور سادات و سفر وی به فلسطین اشغالی و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی، مصر را کاملاً به انزوا کشاند. روند سازشی که سادات آغاز کرده بود با به قدرت رسیدن حسنی مبارک ادامه یافت و قاهره به نقطه ثقل دیپلماسی سازشکارانه برای حل و فصل اختلافات اعراب و رژیم صهیونیستی تبدیل شد. همگرایی مصر با قدرتهای بزرگ و رژیم صهیونیستی نقش منطقه‌ای مصر را تغییر داد. حسنی مبارک در طول دوران حکومت خود، گام‌های سازش‌جویانه زیادی را در جهت حل و فصل اختلافات رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها برداشت که نقطه اوج این فعالیت‌ها نشست شرم‌الشیخ با حضور آرل

شارون، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و توافق با اسرائیل برای تعدیل پیمان کمپدیوید و استقرار ۷۵۰ نیروی پلیس مصری در مرز میان نوار غزه و خاک مصر بود. تداوم همراهی نظام سیاسی قاهره با غرب موجب شد ساختار قدرت و نظام سیاسی این کشور طی نیم قرن گذشته دست نخورده باقی بماند.

به‌دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ارائه طرح خاورمیانه بزرگ و جدی شدن ترویج شعارهایی چون برقراری دموکراسی، آزادی، حقوق بشر، حقوق زنان، مبارزه با خشونت و تروریسم، بستر اجتماعی برای تحول در ساختار سیاسی مصر نیز فراهم شد. در نتیجه رژیم مبارک در مصر برای هم‌نوا کردن خود با الزامات بیرونی و نیازهای داخلی مجبور شد پاره‌ای اصلاحات را [هرچند در ظاهر] انجام دهد.^۱

پس از آن در طول یک دهه جامعه مصر با چالش‌های سیاسی مختلفی روبرو شد، اما نهایتاً خودسوزی جوان دستفروشی در تونس، موج انقلاب مردمی را از تونس به مصر رساند. مصر از یک سال قبل از آن درگیر تنش‌های سیاسی گسترده‌ای بر سر انتخابات پارلمانی و بحث تقرب در آن شده بود. مخالفان سیاسی رژیم حسنی مبارک از جمله محمد البرادعی و اخوان المسلمین درگیر رقابت پارلمانی و بحث تحریم دور دوم انتخابات و مخالفت مدنی بودند که امواج انقلاب تونس به آن کشور نیز رسید. راهپیمایی‌های گسترده مردم و تصرف میدان التحرير به‌عنوان نماد آزادی‌خواهی مردم مصر اساس رژیم حسنی مبارک را به چالش کشید. حسنی

۱. حسینی گلی، ۱۳۸۵، صص ۱۵۹-۱۵۷.



مبارک اعلام کرد که خودش و پسرش جمال مبارک در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری شرکت نخواهند کرد و حتی از حزب حاکم مصر نیز استعفا داد. اما این اقدامات آتش اعتراضات مردمی را خاموش نکرد و سرانجام مبارک ۱۸ روز پس از شروع اعتراضات کناره‌گیری کرد و از صحنه سیاسی مصر کنار رفت.

ارتش مصر کوشید با اتخاذ موضع بی‌طرفی و پیوستن به مردم هم از گسترش تبعات انقلاب جلوگیری کند و هم با مدیریت اوضاع، امکان تغییرات گسترده رژیم سیاسی پیشین را محدود سازد. هدف ارتش مصر مهار آتش انقلاب مصر و ممانعت از افتادن آن به دامن بنیادگرایی و افراط‌گرایی مذهبی بود. شورای عالی نیروهای مسلح در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ قدرت را در دست گرفت. در نهایت با برگزاری همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی مصر، اکثریت قاطع مردم خواستار اصلاح قانون اساسی کشورشان شدند. محاکمه مبارک و فرزندانش خواسته دیگر مردم مصر بود که بستر آن از اوایل آوریل همان سال با صدور حکم جلب مبارک در شرم‌الشیخ فراهم شد.

مرحله بعد در انقلاب مردمی مصر، برگزاری انتخابات پارلمانی (مجلس الشعب) در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۱ بود. در این انتخابات حزب آزادی و عدالت، شاخه سیاسی جنبش اخوان المسلمین با کسب حدود ۴۶ درصد آرا به پیروزی رسید. پس از آن مصر نخستین انتخابات ریاست‌جمهوری پس از مبارک را برگزار کرد. در این انتخابات محمد مُرسی نامزد اخوان المسلمین در دور دوم احمد شفیق نامزد مورد حمایت ارتش را شکست داد و به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور مصر پس از مبارک برگزیده شد. ریاست‌جمهوری محمد مُرسی در مصر آغاز دوران پرفرازونشیب در سیاست

داخلی آن کشور بود چراکه وی باید با ارتش و قوه قضائیه مصر که بخش‌های باقیمانده از رژیم گذشته بودند و تمایل چندانی هم به همراهی با تحولات جدید نداشتند، مقابله می‌کرد.^۱ یک سال ریاست‌جمهوری مرسى در مصر محل چالش میان او، اخوان‌المسلمین و اسلام‌گرایان مصر از یکسو و ارتش، قوه قضائیه و انقلابیون سکولار ازسوی دیگر بود. درگیری‌های گسترده و تظاهرات میلیونی مخالفان، موضع مرسى و اخوان‌المسلمین را متزلزل ساخت. تلاش رئیس‌جمهور مصر برای پایان دادن به بحران داخلی این کشور با دعوت گروه‌های سیاسی مخالف به مذاکره نتیجه‌ای دربر نداشت و نهایتاً ارتش با دادن ضرب‌الاجلی ۴۸ ساعته از نیروهای سیاسی خواست برای برون‌رفت از تنش و بحران سیاسی در کشور چاره‌ای بیاندیشند. سرانجام با پایان یافتن این مهلت، ارتش در اواسط تیرماه امسال با انجام یک کودتا مرسى را برکنار و بازداشت کرد و حکومت موقت مصر را به «عدلی منصور» رئیس دادگاه قانون اساسی سپرد. از آن زمان تاکنون صحنه سیاسی مصر نه تنها به ثبات بازنگشته بلکه تظاهرات گسترده طرفداران اخوان‌المسلمین و درگیری آنها با مخالفان مرسى و نیروهای ارتش باعث تشنج و بی‌ثباتی گسترده در این کشور شده است.



پیشینه روابط ایران و مصر تا سال ۲۰۱۱

۱. روابط ایران و مصر تا پیروزی انقلاب اسلامی

هرچند مناسبات ایران و مصر به شکل رسمی از دوران رضاشاه پهلوی آغاز شد، اما تاریخچه روابط دو کشور قدمتی به درازای تاریخ دارد. پیشینه تاریخی این روابط به حضور ایران در دریای سرخ در زمان پادشاهی هخامنشیان بازمی‌گردد. هخامنشیان امپراتوری پهناوری را به وجود آوردند که غرب آسیا، جنوب شرق اروپا و شمال شرقی آفریقا را دربر می‌گرفت. در حقیقت دریای مدیترانه و دریای سرخ نیز تحت سیطره آنها بود. در دوران حکمرانی داریوش و به دستور او ترعه (کانال) نیل در مصر به منظور اتصال دریای مدیترانه به دریای سرخ ایجاد شد.^۱

در سال ۵۲۵ پیش از میلاد با تصرف ممفیس پایتخت فراعنه به دست کمبوجیه، جانشین کوروش، مصر به صورت یکی از ایالت‌های امپراتوری هخامنشی درآمد. کمبوجیه پس از ورود به مصر به بازسازی معابد مصر پرداخت. وی شئون جامع متمدن مصری را به جای آورد و فرهنگ، مذهب و رسوم مصری‌ها را گرامی داشت. سرانجام مصر در دوره سلطنت داریوش سوم در سال ۳۲۲ پیش از میلاد با حمله اسکندر مقدونی از ایران جدا شد.^۲

اما مناسبات رسمی دو کشور در عصر جدید به سال‌های پس از جنگ جهانی اول بازمی‌گردد. مصر در زمستان ۱۳۰۰ هجری شمسی استقلال خود را از انگلستان به دست

۱. جعفری ولدانی، ۱۳۸۱، صص ۱۶۴-۱۶۳.

۲. همان، ص ۱۶۵.

آورد. ایران بلافاصله استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و سرکنسولگری خود را در قاهره به سفارت ارتقا بخشید. سفارت ایران در قاهره تا هنگام انقراض سلسله قاجار (در ۱۳۰۴ هجری شمسی) فعال نبود، اما پس از آن و در پی تاجگذاری رضاخان اولین قرارداد مودت میان دو کشور در سال ۱۳۰۷ شمسی منعقد شد.^۱

مناسبات رضاشاه پهلوی با حکومت ملک فؤاد و ملک فاروق در مصر صمیمی بود و در اواخر قرن بیستم میلادی، ازدواج فوزیه خواهر ملک فاروق با محمدرضا پهلوی به استحکام روابط تهران و قاهره کمک کرد. در همان زمان مصر برای الحاق به پیمان سعدآباد که در ژوئن ۱۹۳۷ میلادی میان ایران، ترکیه، عراق و افغانستان منعقد شده بود ابراز تمایل کرد، اما فشار دولت انگلیس قاهره را از این عمل منصرف ساخت.^۲

روابط دو کشور پس از جنگ جهانی دوم چندان تحت تأثیر جدایی فوزیه و محمدرضا شاه قرار نگرفت، اما با کودتای افسران آزاد به رهبری نجیب و عبدالناصر و تغییر نظام سیاسی از یک نظام سلطنتی طرفدار غرب به یک جمهوری متمایل به شرق، دوران تیره روابط دو کشور آغاز شد. تأکید مصر بر پان عربیسم در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ عملاً ایران را به چالش کشید. طرفداری ایران از رژیم صهیونیستی، تبلیغ تقابل هزاران ساله اعراب و ایرانیان، تأکید بر ارتجاعی بودن نهاد سلطنت در ایران و تمرکز بر آلت دست غرب بودن شاه ایران از جمله نقاط تقابل دو کشور بودند.^۳ در حقیقت، مخالفت با نفوذ ایران یکی از عناصر کلیدی سیاست‌های ناصر

۱. پندار، ۱۳۸۸، ص ۳۲۹.

۲. احمدی، ۱۳۷۹، ص ۴۵.

۳. فولر، ۱۳۷۳، صص ۸۴-۸۳.



بود. ناصر با طرح ادعاهای جدی نسبت به استان خوزستان، حساسیت امنیتی ایران را به شدت برمی‌انگیخت.^۱ در تابستان ۱۳۲۹ هجری شمسی، جمال عبدالناصر در پی نطق تند علیه حکومت محمدرضا شاه دستور قطع روابط سیاسی با تهران را به دلیل هم‌پیمانی وی با اشغالگران صهیونیست صادر کرد.^۲

روابط طرفین به مدت ۱۰ سال قطع بود و در این مدت سیاست خارجی ایران و مصر در خلیج فارس و دریای سرخ در تقابل با یکدیگر بود. به دنبال شکست اعراب در جنگ سال ۱۹۶۷ و انتقاد ایران از رژیم صهیونیستی و محکوم کردن اشغال اراضی عربی، روابط دو کشور بهبود یافت و در سال ۱۹۷۰ مجدداً از سر گرفته شد.^۳ با مرگ جمال عبدالناصر و روی کار آمدن انور سادات فرصت مناسبی برای بهبود روابط میان دو کشور فراهم شد. انور سادات رئیس‌جمهور وقت مصر در ۱۱ اکتبر ۱۹۷۰ به تهران سفر کرد. در سال ۱۹۷۴ و در پی سفر نخست‌وزیر مصر به تهران، ایران یک وام یک میلیارد دلاری به منظور تعریض کانال سوئز و بازسازی «پورت سعید» و احداث یک خط لوله نفت از سوئز به پورت سعید در اختیار مصر قرار داد. ایران همچنین در تأسیس بانک توسعه مصر و ایران، تأسیس شرکت نساجی مصر و ایران (میراتکس) و یک شرکت کشتیرانی مشترک ۴۹/۷ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرد. حدود ۴۶ درصد از میزان سرمایه‌گذاری‌های کشورهای آسیایی در مصر متعلق به ایران بود و سهم ایران در سرمایه‌گذاری در مصر بیشتر از ژاپن،

۱. همان، ص ۸۴.

۲. مسعودنیا، صادقی نقدعلی و شاه قلعه، ۱۳۹۱، ص ۱۵۳.

۳. جعفری ولدانی، همان، ص ۱۶۸؛ و کتاب سبز مصر، ۱۳۷۵، ص ۹۶.

کره جنوبی و هند بود. همچنین واحدهای نیروی دریایی ایران به‌طور منظم به پورت سعید در کانال سوئز رفت‌وآمد می‌کردند.^۱

شاه ایران از موافقتنامه ۱۹۷۵ سینا و متعاقب آن قرارداد کمپدیوید میان مصر و رژیم صهیونیستی استقبال کرد. انورسادات نیز در جریان انقلاب اسلامی همواره از شاه حمایت می‌کرد.^۲

۲. روابط ایران و مصر پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مناسبات دو کشور ایران و مصر مجدداً دچار تنش شد. وقوع انقلاب اسلامی و چرخش مواضع و دیدگاه‌های ایران در برابر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، امضای قرارداد کمپدیوید و سفر شاه مخلوع ایران به مصر باعث تغییر رفتار دو کشور نسبت به یکدیگر شد.^۳ سرانجام در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ امام خمینی (ره) طی نامه‌ای به وزیر امور خارجه دولت موقت، دستور به قطع روابط ایران و مصر دادند.^۴

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مصر به‌طور کامل از عراق حمایت کرد. در این بین با اعطای مجوز به شهروندان مصری در عراق، مصری‌ها داوطلبانه به خدمت ارتش عراق درآمدند و در کنار عراقی‌ها علیه ایران جنگیدند.^۵ مصر از پیروزی

۱. جعفری ولدانی، همان، صص ۱۶۸-۱۶۹.

۲. مسعودنیا، همان، صص ۱۵۳-۱۵۲.

۳. احمدزاده، ۱۳۸۲، ص ۵۰.

۴. مسعودنیا، همان، ص ۱۵۹.



احتمالی ایران در جنگ نگران بود. از نظر قاهره، پیروزی ایران علاوه بر تأثیر بلندمدت بر جنبش‌های فعال اسلامی در مصر و به‌طور کلی در منطقه، موازنه قوا در خلیج فارس و احتمالاً دریای سرخ را نیز برهم می‌زد.^۱

پس از پایان جنگ، سیاست ایران مبتنی بر سازندگی بود و از آنجا که برای بازسازی نیاز به برقراری ارتباط با کشورهای عرب منطقه بود، برای نشان دادن حسن نیت تعدادی از اسرای مصری را آزاد کرد. این مسئله با استقبال مصر مواجه شد. روابط میان دو کشور تا حدودی بهبود یافت و در نهایت در سال ۱۳۷۰، دفاتر حافظ منافع دو کشور دوباره راه‌اندازی شدند.^۲

در دهه ۹۰ میلادی و به‌ویژه در دوران اصلاحات و به‌دنبال سیاست تنش‌زدایی رئیس‌جمهور وقت ایران روابط دو کشور رو به بهبود گذاشت. روابط اقتصادی ایران و مصر نیز از پیشرفت قابل توجهی برخوردار شد. هیئت‌های اقتصادی متعددی از دو کشور دیدار کردند و توافق‌هایی نیز برای توسعه همکاری‌های اقتصادی صورت گرفت.^۳ با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد مناسبات دو کشور علیرغم تمایل طرف ایرانی به بهبود و توسعه روابط مجدداً دچار نوساناتی شد. در این دوران هرچند ملاقاتی میان دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران با حسنی مبارک در قاهره صورت گرفت، اما سیاست‌های غرب‌گرایانه مبارک قفل روابط طرفین را همچنان بسته نگاه‌داشت. البته روابط دو کشور در جریان جنگ غزه نیز به‌دلیل عدم همراهی

۱. مسعودنیا، صص ۱۶۰-۱۶۱.

۲. همان.

۳. جعفری ولدانی، ص ۱۶۹.

حسنی‌مبارک در گشودن گذرگاه رفح دچار تنش‌هایی شد. تجمع دانشجویان ایرانی در مقابل دفتر حافظ منافع مصر در تهران به همین دلیل نیز با واکنش اعتراض‌آمیز مصر مواجه شد.

در مجموع می‌توان استدلال کرد که در دوران حکومت سادات و مبارک، امضای قرارداد کمپدیوید بین مصر و رژیم صهیونیستی، همکاری نزدیک نظامی مصر و آمریکا، نامگذاری خیابانی به نام خالد اسلامبولی در تهران، اتهامات مصر به ایران درباره حمایت از جنبش‌های اسلامی مصر، حمایت مصر از عراق در طول جنگ تحمیلی، حمایت قاهره از ادعاهای امارات متحده عربی در مورد جزایر سه‌گانه، متهم کردن ایران به دخالت در امور داخلی کشورهای مختلف عربی از سوی مصر و مواضع ایران در قبال رژیم صهیونیستی از جمله عواملی بودند که توسعه روابط ایران و مصر را با چالش مواجه ساختند.^۱

مناسبات ایران و مصر از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳

از زمان آغاز انقلاب مردمی مصر، جمهوری اسلامی با استقبال و حمایت از آن، این رویداد را نوعی بیداری اسلامی و متأثر از انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ و در راستای خیزش مردم مسلمان مصر علیه یک دیکتاتور وابسته به آمریکا و رژیم صهیونیستی تلقی کرد. پس از آن، پیروزی اخوان‌المسلمین در انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری مصر استقبال مقامات ایرانی را به‌دنبال داشت به‌طوری که آنها

۱. مسعودنیا، ص ۱۶۱.



تلویحاً برای بهبود و برقراری مجدد روابط با آن کشور اعلام آمادگی کردند.^۱ از زمان سقوط حسنی مبارک تا برکناری مُرسی برخی رویدادها باعث شدند تلاش دو کشور و به‌ویژه ایران برای تغییر مناسبات گذشته و تلاش برای ایجاد آینده‌ای بهتر چندان نتیجه‌بخش نباشند. با وجود سقوط حکومت مبارک و تغییر رژیم و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در آن کشور، مواضع مُرسی در قبال امنیت خلیج فارس از تداوم وجود مشکلات در توسعه مناسبات دو کشور حکایت داشتند. همزمان با برگزاری شانزدهمین اجلاس سران غیرمتعهدها در تهران و واگذاری ریاست دوره‌ای اجلاس از مصر به ایران، گمانه‌زنی‌هایی برای حضور رئیس‌جمهوری مصر در ایران و استفاده از این فرصت برای بهبود مناسبات طرفین انجام گرفت، اما محمد مُرسی صرفاً چند ساعت در تهران حضور داشت و پس از سخنرانی در مراسم افتتاحیه و واگذاری ریاست اجلاس سران غیرمتعهدها در دوره جدید به رئیس‌جمهور وقت ایران بلافاصله تهران را ترک کرد. البته در همین زمان اندک نیز اشتباه در ترجمه سخنان وی در مراسم افتتاحیه اعتراض و ناراضی‌مقامات مصری را به‌وجود آورد.^۲

سفر آقای دکتر صالحی وزیر امور خارجه وقت ایران به مصر و دیدار با محمد مُرسی و تأکید وی بر دوستی عمیق بین دو کشور، و دیدار رئیس مجلس مصر با آقای دکتر لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در حاشیه برگزاری هشتمین دوره اجلاس اتحادیه بین‌المجالس اسلامی از دیگر مواردی بودند که در این مدت میان دو

۱. سنایی، همان.

۲. همان.

کشور رخ دادند. پس از آن ایران با هدف نزدیک شدن به مصر پیشنهاد داد که قاهره محل مذاکرات هسته‌ای آتی میان ایران و گروه ۵+۱ باشد. این پیشنهاد چندان با استقبال مقامات این کشور مواجه نشد. سفر آقای دکتر احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت ایران به مصر در بهمن‌ماه ۱۳۹۱ برای شرکت در اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی و دیدار با محمد مُرسی نیز چندان نتوانست تأثیری بر مناسبات دو کشور برجای نهد، البته در حاشیه این سفر، نشست سه‌جانبه‌ای با حضور رؤسای‌جمهور سه کشور ایران، ترکیه و مصر درباره بحران سوریه برگزار شد. با این حال، اختلاف نظر اساسی میان ایران با کشورهای ترکیه و مصر درخصوص نحوه حل‌وفصل بحران سوریه مانعی در تداوم این حرکت‌ها بود. پس از آن ۱۷ تن از اندیشمندان ایرانی در نامه‌ای به مقامات مصری توصیه‌هایی مبنی بر استفاده از الگوی اسلام در حکومت آتی مصر ارائه کردند که البته این اقدام با پاسخ‌های نه‌چندان مناسب آنها روبرو شد. در اواخر سال ۱۳۹۱ وزیر گردشگری مصر سفری به ایران داشت و موافقتنامه‌هایی نیز برای تبادل گردشگران به امضای دو طرف رسید. در این راستا ایران برای پیشرفت در این امر به‌طور یک‌جانبه به لغو روادید سفر گردشگران مصری به ایران اقدام نمود که باز هم با پاسخ مناسب از سوی مقامات مصری مواجه نشد.^۱

در ۱۰ فروردین‌ماه ۱۳۹۲ اولین گروه از گردشگران ایرانی وارد مصر شدند.^۲ روز بعد نیز پس از ۳۴ سال اولین پرواز مستقیم بین ایران و مصر برقرار شد، به‌طوری که محافل بین‌المللی انجام این پرواز را در راستای عادی‌سازی روابط دو

۱. همان.

2. <http://www.isna.ir/fa/news/92011001620>



کشور ارزیابی کردند.^۱ اما به دنبال سفر گردشگران ایرانی به مصر عده‌ای از سلفی‌ها در مخالفت با عادی‌سازی روابط دو کشور با حمله به منزل رئیس دفتر حافظ منافع ایران در قاهره مدعی شدند که توافقنامه اخیر گردشگری در راستای گسترش مذهب تشیع در مصر است. در پاسخ به این رویداد، هشام قنديل نخست‌وزیر وقت مصر اعلام کرد که کشورش حامی اسلام میانه‌رو است و ایرانی‌ها تنها برای گردشگری به این کشور سفر می‌کنند و دولت مسئول حفاظت از مصر در برابر مسئله ترویج تشیع است.^۲ با وجود این، وزیر گردشگری این کشور از توقف سفر گردشگران ایرانی به مصر تا نیمه دوم ژوئن سال جاری (اواخر خرداد) خبر داد.^۳

در اوایل اردیبهشت‌ماه یک هیئت مصری به رهبری عصام حداد معاون بین‌الملل و همکاری‌های خارجی رئیس‌جمهور مصر در سفری به ایران با دکتر احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت ایران دیدار و گفتگو کرد. عصام حداد در این دیدار بر برقراری همکاری‌های مثبت و سازنده با جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد.^۴ وزارت امور خارجه ایران سفر این هیئت به تهران را در راستای اجرای مفاد طرح چهارجانبه مصر درباره بحران سوریه ارزیابی کرد. اعضای این هیئت علاوه بر رئیس‌جمهوری با وزیر امور خارجه، دبیر شورای عالی امنیت ملی و دکتر ولایتی مشاور امور بین‌الملل مقام معظم رهبری نیز دیدار کردند.^۵

در ۲۳ اردیبهشت سال جاری وزیر امور خارجه ایران در سفر به جده و در حاشیه

1. <http://www.isna.ir/fa/news/92011101729>

2. <http://www.isna.ir/fa/news/92011703883>

3. <http://www.isna.ir/fa/news/92011904830>

4. Op.cit./92020805302

5. Op.cit./92020805620

نشست گروه تماس سازمان همکاری اسلامی با وزیر امور خارجه مصر دیدار و درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی به‌خصوص سوریه گفتگو و تبادل نظر کرد.^۱

در اواخر خردادماه دومین گروه از گردشگران ایرانی به مصر سفر و از اماکن تاریخی و آثار باستانی آن کشور بازدید کردند.^۲ به‌دنبال برگزاری یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران و انتخاب دکتر روحانی به ریاست‌جمهوری، وزیر امور خارجه مصر در تماس تلفنی با وزیر امور خارجه کشورمان این انتخاب را تبریک گفت.^۳

با بالا گرفتن اعتراضات و خشونت‌ها در مصر وزیر امور خارجه ایران در تماس تلفنی با همتای مصری خود اقدامات گروه‌های تندرو در مصر و حمله به منزل شیخ حسن شحاته از علمای جهان اسلام و کشتن تنی چند از مسلمانان این کشور را محکوم کرد. وی همچنین آمادگی کشورمان را برای هرگونه همکاری در قالب ابتکار نشست چهارجانبه مصر پیرامون تحولات سوریه با مشارکت وزرای خارجه ترکیه، عربستان و ایران اعلام داشت.^۴

محمد مُرسی رئیس‌جمهور مصر نیز در پیامی انتخاب آقای دکتر روحانی را به ریاست‌جمهوری ایران تبریک گفت. دکتر روحانی نیز در پاسخ به پیام تبریک وی، برای ملت بزرگ مصر سعادت و بهروزی آرزو کرد.^۵

به‌دنبال کودتای نظامی ارتش و برکناری مُرسی، سخنگوی وزارت امور خارجه

1. Op.cit./92022315781

2. Op.cit./ 92031810003

3. Op.cit./92032716117

4. Op.cit./92040401702

5. Op.cit./92040402284



ایران درایت و درک عمیق مردم مصر در تحولات اخیر کشورشان را خواستار شد.^۱ در عین حال دکتر صالحی وزیر وقت امور خارجه در تماس تلفنی با همتای مصری خود با تأکید بر حق تعیین سرنوشت مردم مصر، گفت: «هر تصمیمی که مردم این کشور بگیرند، مورد احترام همگان است».^۲

در ۲۳ مرداد نبیل فهمی وزیر امور خارجه مصر در گفتگویی با شبکه الحیات مصر تأکید کرد که قاهره به دنبال توسعه روابط با تهران است. وی افزود: «قابل قبول نیست که کشوری به بزرگی ایران نادیده گرفته شود. ارزیابی مجدد ما در روابط با کشورهای خارجی، ایران را نیز دربر خواهد گرفت».^۳ در عین حال، همان روز وزارت امور خارجه ایران کشتار مردم در مصر را محکوم کرد و خواستار اتخاذ رویکرد مسالمت‌آمیز، گفتگوهای ملی و اتخاذ روند دمکراتیک در آن کشور شد.^۴

دکتر ظریف نیز در اولین اقدام خود پس از کسب رأی اعتماد، در تماس تلفنی با اکمل‌الدین احسان اوغلو دبیرکل سازمان همکاری اسلامی، ضمن محکوم کردن کشتار مردم بی‌دفاع مصر، توقف خشونت‌ها را خواستار شد. وی همچنین با خطیر توصیف کردن اوضاع این کشور، دخالت هرچه سریع‌تر سازمان همکاری اسلامی به‌منظور جلوگیری از گسترش تنش‌ها و یافتن راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای جلوگیری از بروز درگیری‌های داخلی و کاهش بحران در این کشور را خواستار شد.^۵

1. Op.cit./92041307985

2. Op.cit./92042012604

3. Op.cit./92052312865

4. Op.cit./92052313325

5. Op.cit./92052514163

عوامل مؤثر در واگرایی ایران و مصر

به‌طور کلی در طول ۳۴ سال گذشته و به‌ویژه در دوران حکومت سادات و مبارک جز در برخی برهه‌های کوتاه روابط ایران و مصر روابط سردی بوده است. هرچند در برخی موارد نیز تلاش‌هایی برای بهبود مناسبات دوجانبه صورت گرفت اما جز افتتاح دفتر حفاظت منافع در پایتخت‌های دو کشور و برخی ملاقات‌های پراکنده، اقدام چندانی برای توسعه روابط ایران و مصر انجام نشد. پس از سقوط حکومت حسنی مبارک و به‌ویژه با به قدرت رسیدن اخوان‌المسلمین و محمد مُرسی، زمزمه بهبود مناسبات دو کشور مجدداً بالا گرفت. اما همان‌طور که ذکر شد دو کشور در این دوران بجز دیدارهای پراکنده، اقدام عملی دیگری برای توسعه و بهبود روابط یکدیگر صورت ندادند. هرچند شاید بی‌ثباتی و درگیری‌های داخلی مصر عاملی برای این مسئله بوده باشد، ولی به‌نظر می‌رسد عوامل واگرایی دو کشور که ریشه در تاریخ داشت باعث شد که حتی با سقوط مبارک و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در مصر نیز مناسبات دو کشور بهبود پیدا نکند.

بنابراین تا مادامی که عوامل واگرا در روابط ایران و مصر وجود دارند امکان توسعه و بهبود مناسبات دو کشور ممکن نخواهد بود و به همین دلیل به‌نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران باید با درک عوامل واگرایی، در جهت مدیریت آنها و در مقابل تلاش برای یافتن عوامل همگرا در روابطش با مصر گام بردارد. در ضمن ایران می‌تواند با تمرکز بر روی این عوامل به‌دنبال به حداقل رساندن تنش در مناسبات خود با آن کشور و ایجاد روابط متعادل و سازنده با قاهره در آینده باشد. بدیهی



است پس از ایجاد ثبات سیاسی در مصر، آن کشور مجدداً به جایگاه سنتی خود در منطقه و جهان اسلام بازخواهد گشت و از این منظر ضروری است که جمهوری اسلامی ایران مناسبات متعادلی با آن کشور داشته باشد.

به‌طور کلی عواملی که باعث واگرایی میان دو کشور ایران و مصر می‌باشند در

موارد ذیل خلاصه می‌شوند:

۱. تلاش مصر برای نفوذ در خلیج فارس

مصر به‌عنوان یک کشور قدرتمند اسلامی و عربی علاقمند به حضور و نفوذ در خلیج فارس و نزدیکی به کشورهای حاشیه جنوبی آن است. سابقه حضور مصر در خلیج فارس به قرن نوزدهم و زمانی که آن کشور زیر سلطه عثمانی بود بازمی‌گردد. مصری‌ها در اوایل قرن نوزدهم به درخواست سلطان عثمانی و به‌منظور سرکوب جنبش وهابیت وارد عربستان و سپس سواحل خلیج فارس شدند.^۱ هرچند این حضور دوام چندانی نداشت اما تجربه‌ای شد که آن کشور در برهه‌های بعدی، هم به‌دنبال تسلط بر جهان عرب و هم در تقابل با نفوذ ایران در این منطقه بکوشد در منطقه خلیج فارس حضور داشته باشد. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ناصر با ترویج پان‌عربیسم و حمایت از جمهوریخواهان در یمن در جنگ با سلطنت‌طلبان آن کشور، مبارک با حمایت از عراق در جنگ با ایران در دهه ۱۹۸۰ و حتی حاکمان پس از مبارک در آن کشور با خط قرمز خواندن امنیت خلیج فارس برای مصر کماکان نشان دادند که

۱. جعفری ولدانی، همان، صص ۱۸۵-۱۸۷؛ و فولر، همان، صص ۷۸-۷۹.

به دنبال تسلط و نفوذ در این منطقه مهم و استراتژیک هستند. حمایت مصر از ادعاهای امارات متحده عربی در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس نیز در همین راستا تفسیر می‌شود.

قاهره در کشورهای حاشیه خلیج فارس دارای منافع اقتصادی و نظامی است. سرمایه‌گذاری این کشورها در مصر، درآمد حاصل از گردشگران عربی خلیج فارس و اشتغال کارگران مصری در کشورهای خلیج فارس از جمله منافع این کشور در منطقه است. قاهره در این زمینه‌ها ایران را رقیب خود می‌داند.^۱

بدیهی است جمهوری اسلامی ایران باید بکوشد همچون زمان بحران اشغال کویت از سوی عراق در سال ۱۹۹۰ بر مشارکت جمعی کشورهای منطقه در جهت حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای تأکید و راهکارهای همکاری‌جویانه را به جای راه‌حل‌های مخاصمه‌آمیز در مسائل منطقه خلیج فارس اتخاذ کند و بدین‌سان، این عامل تهدیدزا را به فرصتی جهت همکاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل نماید.

۲. روابط مصر با آمریکا

ایالات متحده آمریکا از متحدان استراتژیک مصر به‌شمار می‌آید. با توجه به مناسبات ایران و آمریکا بدیهی است که یکی از دلایل عدم بهبود روابط تهران و قاهره نقش ایالات متحده در این زمینه می‌باشد. مصر به دلایل مختلف از جمله مسائل مالی و نظامی به کمک‌های آمریکا وابسته است و از این نظر در راستای منافع ایالات متحده

۱. جعفری ولدانی، همان، صص ۲۰۰-۲۰۱.



در منطقه عمل می‌کند. با توجه به اینکه حکومت فعلی مصر حکومتی طرفدار غرب و آمریکا به‌شمار می‌رود به‌نظر می‌رسد این عامل کماکان در مناسبات طرفین تأثیرگذار خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران در این زمینه نیز باید تلاش کند از طریق تعریف و تقویت نقاط مشترک با مصر، نقش مؤثر ایالات متحده در مناسبات خود با قاهره را به حداقل برساند.

۳. روابط مصر با رژیم صهیونیستی

ازجمله مهمترین دلایل تیره شدن مناسبات ایران و مصر، سازش مصر با رژیم صهیونیستی بعد از انعقاد موافقتنامه‌های کمپدیوید و نوع ارتباط آن کشور با این رژیم بود. مصر در دوران مبارک جزء معدود کشورهای عربی و اسلامی بود که مناسبات دوستانه‌ای با رژیم صهیونیستی داشت و حتی در زمان تجاوز این رژیم به غزه از امکان کم‌رسانی به غزه از طریق گذرگاه رفح خودداری کرد. پس از سقوط مبارک آینده مناسبات مصر و رژیم صهیونیستی مورد توجه ناظران سیاسی و بین‌المللی قرار گرفت. هرچند ادعاهایی در مورد حمایت‌های گسترده اخوان‌المسلمین و مرسی از حماس وجود داشت اما به هر صورت با برکناری مرسی از ریاست‌جمهوری به‌نظر می‌رسد حکومت فعلی مصر چندان تغییری در مناسبات قبلی قاهره با رژیم صهیونیستی به عمل نخواهد آورد، از این‌رو رژیم صهیونیستی همچنان به‌عنوان عاملی واگرا در زمینه مناسبات ایران و مصر عمل خواهد کرد.

۴. تقابل تفکر سلفی‌گری مصر با تفکر شیعی ایران

تفکر سلفی‌گری حاکم بر مصر [و برخی دیگر از کشورهای اسلامی] به‌طور جدی در تضاد با تفکر شیعی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. این تضاد نقش خود را در جدایی کشورهای مختلف و ازجمله مصر در طول ۳۵ سال گذشته از ایران نشان داده است. همان‌طور که ملاحظه شد سلفی‌های مصر حتی با ورود گردشگران ایرانی به آن کشور مخالف بودند و این عمل را نوعی ترویج و تبلیغ تشیع در مصر می‌دانستند. تأکید بر دیپلماسی فعال و تلاش برای اعتمادسازی و نشان دادن اینکه جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال روابط سازنده با کشورهای منطقه است و همچنین تشریح دیدگاه و سیاست مثبت ایران در زمینه وحدت جهان اسلام می‌تواند در کاهش نقش مخرب سلفی‌ها بر روابط دو کشور تأثیرگذار باشد.

۵. اختلاف نظر بر سر موضوعات منطقه‌ای همچون بحران سوریه

ایران و مصر همچون بسیاری از کشورهای جهان درخصوص برخی موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی اختلاف نظر دارند که البته امری طبیعی است، ولی تلاش هر دو طرف باید تأکید بر اصول مسلم حقوق بین‌الملل و مناسبات متداول و متعارف نظام جهانی باشد. در غیر این‌صورت، اختلاف دیدگاه‌ها به خصومت و درگیری منتهی خواهد شد. درخصوص بحران سوریه اختلاف دیدگاه شدیدی میان ایران و مصر وجود داشته است. محمد مرسی از همان ابتدا بر کنار رفتن دولت بشار اسد تأکید داشت و این مسئله اختلافاتی میان ایران و مصر به‌وجود آورد. با این‌حال به‌نظر



می‌رسد حکومت فعلی مصر به دنبال اتخاذ مواضع متعادل‌تری درخصوص سوریه باشد. تأکید بر بازگشایی سفارت مصر در دمشق و نیز مخالفت مصر با اقدام نظامی یک‌جانبه آمریکا و غرب علیه سوریه نشان‌دهنده تغییراتی در مواضع آن کشور در قبال دمشق است. این امر می‌تواند فرصت مناسبی برای به حداقل رساندن اختلاف دیدگاه‌ها میان دو کشور در زمینه بحران سوریه باشد.

زمینه‌های همگرایی ایران و مصر

همان‌طور که اشاره شد عوامل مختلفی می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های واگرایی در روابط دو کشور ایران و مصر مطرح شوند، اما در همین حال زمینه‌هایی نیز برای همگرایی و نزدیکی دو طرف وجود دارند. دستگاه دیپلماسی کشور می‌تواند با تمرکز بر عوامل همگرا و مدیریت عوامل واگرا در جهت تفاهم و نزدیکی دو کشور تلاش کند. در این صورت منافع ایران در مصر صرف‌نظر از اینکه چه نظامی و چه کسی در آن کشور در عرصه قدرت باشد، تأمین خواهد شد.

درخصوص زمینه‌های همگرایی ایران و مصر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. **اشتراکات تاریخی و فرهنگی:** ایران و مصر به لحاظ تاریخی و فرهنگی

اشتراکات ویژه‌ای با یکدیگر دارند. دوستی دیرینه دو ملت با یکدیگر علیرغم تلاطم‌های سیاسی، نشانگر اشتراکات فرهنگی و تاریخی دو کشور است. زمینه‌های مشترک تاریخی و فرهنگی می‌توانند به عنوان عوامل همگرا باعث نزدیکی ملت‌ها و دولت‌ها در

جهان امروز باشند. بدیهی است بهره‌مندی از این عامل و تدوین سیاست‌های مناسب مرتبط با این زمینه، در نزدیکی تهران و قاهره تأثیرگذار خواهد بود.

۲. منافع مشترک در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی: ایران و مصر به‌عنوان دو

قدرت تأثیرگذار خاورمیانه در برخی از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دارای منافع مشترک و متقابلی هستند. جنبش عدم تعهد، گروه ۱۵ [پانزده کشور درحال توسعه در جهان] و گروه ۸ [هشت کشور درحال توسعه مسلمان] از جمله سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای هستند که تهران و قاهره در آنها عضویت دارند و همین امر می‌تواند انگیزه‌های مؤثر برای افزایش تماس‌ها و ارتباطات متقابل جهت هماهنگی و همکاری بیشتر باشد.

۳. تأثیرگذاری بر جهان اسلام: ایران و مصر به‌عنوان دو قدرت بزرگ منطقه‌ای

بر مناسبات جهان اسلام تأثیرگذار می‌باشند. این نقش و جایگاه سنتی و تاریخی می‌تواند زمینه مناسبی برای نزدیکی و همگرایی دو قطب مهم اسلامی به‌شمار آید. یافتن منافع مشترک و متقابل در این حوزه و تمرکز بر آنها و تلاش برای حل و فصل مشکلات و منازعات کشورهای مسلمان قطعاً باعث نزدیکی ایران و مصر و افزایش نقش مشترک آنها در جهان اسلام خواهد شد. در این میان همکاری نزدیک دو کشور در سازمان همکاری اسلامی در نزدیکی آنها و تأثیرگذاری مشترک بر مسائل جهان اسلام مثمرتر خواهد بود.

۴. حفظ ثبات و امنیت در خاورمیانه: برقراری ثبات و امنیت در خاورمیانه

برای تأمین مطمئن منافع ایران و مصر اهمیت حیاتی دارد. بنابراین لازم است هر دو کشور با تمرکز بر این نکته و یافتن دیدگاه‌های مشترک درخصوص زمینه‌های ثبات



و امنیت و عوامل به وجود آورنده بی‌ثباتی و ناامنی، همکاری بیشتری را درخصوص حفظ ثبات و امنیت در خاورمیانه تدارک ببینند.

۵. همکاری‌های مذهبی، علمی و دانشگاهی: ایران و مصر به‌عنوان دو قطب فقهی - مذهبی و علمی - دانشگاهی می‌توانند با افزایش همکاری‌ها در این حوزه‌ها علاوه بر افزایش زمینه‌های همکاری و همگرایی باعث کاهش اختلافات به‌ویژه در عرصه‌های مذهبی و فقهی شوند. وجود مراکز اصلی فقه تشیع و تسنن در این دو کشور می‌تواند با برنامه‌ریزی در جهت گسترش همکاری‌های نهادهای مذهبی باعث ارتقای زمینه‌های همگرایی دو کشور شود و همزمان زمینه‌های لازم برای تقویت روند وحدت جهان اسلام را فراهم سازد.

۶. منافع مشترک اقتصادی: توسعه همکاری‌های اقتصادی از الزامات و اقتضائات اجتناب‌ناپذیر برای تقویت روابط دوجانبه است، از این رو ضرورت دارد که زمینه‌های همکاری ایران و مصر در مسائل اقتصادی شناسایی شوند و دو طرف از این عامل همگرا استفاده مناسب به‌عمل آورند. در جهان امروز همکاری‌های اقتصادی ساده‌ترین و مناسب‌ترین راه برای رسیدن به همگرایی کشورهاست. بدیهی است زمینه فعالیت‌های مشترک و متقابل اقتصادی نیز میان ایران و مصر وجود دارد و هر دو کشور با سرمایه‌گذاری و استفاده از بازارهای اقتصادی یکدیگر از مناسبات اقتصادی دوجانبه منتفع خواهند شد. این امر زمینه لازم برای نزدیکی سیاسی دو کشور را نیز فراهم خواهد کرد.

جمع‌بندی

ایران و مصر مشابهت‌ها و اشتراکات تاریخی و فرهنگی زیادی با یکدیگر دارند که خود این امر می‌تواند محرک مناسبی برای بهبود روابط آنها باشد. دو کشور با برداشتن گام‌های مشترک در شرایط حساس خاورمیانه می‌توانند در حل و فصل مسائل منطقه تأثیرگذار باشند. نزدیکی دو ملت ایران و مصر و همراهی دو دولت در فضای کنونی خاورمیانه می‌تواند آثار و پیامدهای مثبتی به همراه داشته باشد.

ایران و مصر به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای و تأثیرگذار جهان اسلام با گسترش همکاری می‌توانند منافع مشترک متعددی را از قبیل این روابط پیگیری کنند و در راستای منافع مسلمانان منطقه و از جمله ملت‌های تحت ستم در اراضی اشغالی حرکت کنند. قرار گرفتن مراکز اصلی فقه تشیع و تسنن در ایران و مصر و نزدیکی منافع دو کشور در جهان اسلام شرایطی را پدید آورده است که می‌توان از آن برای بهبود روابط طرفین استفاده کرد.

مصر دروازه ورود به آفریقا است و همزمان به دلیل جایگاهی که در جهان عرب دارد می‌تواند باعث بهبود روابط ایران با جامعه عربی شود. گسترش روابط دو کشور همچنین می‌تواند در تقویت اثرگذاری سازمان همکاری اسلامی نیز مؤثر واقع شود. رابطه ایران با مصر به‌عنوان یک کشور مهم سنی‌مذهب می‌تواند در کاهش نزاع مذهبی سنی - شیعی در منطقه تأثیر بسزایی داشته باشد و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای را در این امر کاهش دهد.



یقیناً بهبود و توسعه مناسبات دو کشور ایران و مصر به‌عنوان دو قدرت مهم منطقه‌ای و اسلامی به نفع هر دو کشور است و می‌تواند بر حل‌وفصل مسائل منطقه‌ای تأثیرگذار باشد. بر این اساس لازم است که دستگاه سیاست خارجی کشور با اتخاذ دیپلماسی فعال و پویا در جهت کاهش عوامل واگرایی میان دو طرف تلاش کند و بر یافتن نقاط مشترک و تأکید بر زمینه‌های همگرایی میان دو کشور متمرکز شود. مجلس شورای اسلامی نیز با فعالیت‌های پارلمانی از طریق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، افزایش مبادلات پارلمانی و گسترش فعالیت گروه دوستی پارلمانی ایران و مصر (در آینده و با تشکیل پارلمان جدید در مصر) می‌تواند کمک شایانی به دولت جمهوری اسلامی ایران در این زمینه داشته باشد.

در همین چارچوب به‌طور خاص پیشنهادهاى ذیل جهت بهبود مناسبات ایران و مصر توصیه می‌شود:

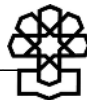
نخست آنکه، بهتر است گسترش مبادلات در حوزه‌هایی صورت گیرد که تصویر ایران را در جامعه عربی مصر بهبود بخشد و تبلیغات منفی سلفی‌ها در مورد ایران و شیعیان را در این کشور خنثی سازد. بر همین اساس، فعال‌سازی دیپلماسی رسانه‌ای و نیز تبادل محصولات رسانه‌ای اکیداً توصیه می‌شود.

دوم آنکه، توصیه می‌شود ایران در دیپلماسی بین‌المللی خود بر همکاری با مصر در نهادهای چندجانبه براساس دغدغه‌های مشترک تمرکز کند. نهادهایی از قبیل سازمان همکاری اسلامی و جنبش عدم تعهد بسترهای مناسبی برای بهبود روابط میان دو کشور به‌شمار می‌آیند.

سوم آنکه، گسترش تعاملات گردشگری در گروهی بسترسازی فرهنگی در این زمینه است. مبادلات فرهنگی ایران در حوزه‌هایی از قبیل آموزش عالی، گفتگوی میان ادیان و مذاهب و امثال آنها می‌تواند در بهبود مناسبات دوجانبه با مصر مؤثر باشد.

منابع و مآخذ

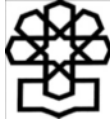
۱. احمدزاده، داود. نقش مصر در جنگ ایران و عراق، مطالعات دفاعی و امنیتی، سال دهم، ش ۳۵، ۱۳۸۲.
۲. احمدی، حمید. نظام بین‌الملل معاصر و فرازونشیب‌های روابط ایران و مصر، مطالعات آفریقا، سال پنجم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
۳. پندار، محمدحسین. روابط سیاسی ایران و مصر از سلطنت پهلوی تاکنون، فصلنامه پانزده خرداد، دوره سوم، سال ششم، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۸.
۴. جعفری ولدانی، اصغر. ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
۵. حسینی گلی، سیداسماعیل. اصلاحات در مصر، کتاب خاورمیانه (۵)، ویژه اصلاحات در خاورمیانه، گردآوری و تدوین: مجید یونسیان، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۵.
۶. سنائی، اردشیر. مصر در فرازونشیب پس از مبارک، سالنامه ۱۳۹۲، روزنامه اعتماد، در: <http://www.Etemadnewspaper.ir/Released/1391/12/13>
۷. فولر، گراهام. قبله عالم - ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳.
۸. کتاب سبز مصر، گردآوری و تدوین مهدی تکیه‌ای، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.



۹. مسعودنیا، حسین، زهرا صادقی نقدعلی و صفی‌ا... شاه قلعه. تحلیل سازه‌انگاران فرافراز و فرود

تاریخی روابط ایران و مصر، مطالعات جهان اسلام، سال اول، ش اول، بهار ۱۳۷۹.

10. Entesar, Nader, Egypt and the Persian Gulf, Conflict, Vol 9, 1989.
11. <http://www.isna.ir/fa/news/92011001620>.
12. <http://www.isna.ir/fa/news/92011101729>.
13. <http://www.isna.ir/fa/news/92011703883>.
14. <http://www.isna.ir/fa/news/92011904830>.
15. <http://www.isna.ir/fa/news/92020805302>.
16. <http://www.isna.ir/fa/news/92020805620>.
17. <http://www.isna.ir/fa/news/92022315781>.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۳۸۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: روابط ایران و مصر؛ عوامل واگرایی و زمینه‌های همگرایی

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: اردشیر سنایی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. منافع ملی

۲. ایران

۳. مصر

۴. برکناری مرسى

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۹/۳۰